

# حکم شرعی خرج بعد از مرگ

(قسمت پایانی)

﴿مفتی خدا نظر﴾ (رحمه الله)

غیر اینصورت حتی طبق اعتقاد خود آنحضرت این غذا حکم صدقه را دارد و خوردن صدقه برای پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حرام نیست. پس چگونه امکان دارد که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) دعوت خوردن صدقه را از طرف اهل میت پذیرفته باشد؟!

## دلایل دیگر در مورد طعام سوگواری و عزا

۱- در سنن ابن ماجه «کتاب الجنائز، باب ما جاء فی النهی عن الاجتماع الی اهل المیت و صنعة الطعام» این حدیث مذکور است:

«حدثنا محمد بن یحیی، حدثنا سعید بن منصور، حدثنا هشیم، حدثنا شجاع بن مخلد ابوالفضل، حدثنا هشیم عن اسماعیل ابن ابی خالد عن قیس بن ابی هازم عن جریر بن عبدالله البجلی کنا نری الاجتماع الی اهل المیت و صنعة الطعام من النیاحة».

ترجمه: حضرت جریر بن عبدالله (رضی الله عنه) می فرماید: ما (یعنی صحابه کرام (رضی الله عنهم)) عقیده داشتیم که جمع شدن نزد اهل میت و پختن طعام جزو نوحه سرایی است. نوحه سرایی را خود حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) از رسوم کفار دانسته است. چنانکه در ابن ماجه کتاب الجنائز از ابومالک اشعری مرفوعاً مروی است:

«النیاحة من امر الجاهلیة».

و همین حدیث حضرت جریر بن عبدالله را صاحب فتح القدر در کتاب الجنائز ذکر کرده و سندش را صحیح قرار داده است. که عبارت کاملش در صفحات آینده می آید، و همین حواله فتح القدر در «کبیری شرح منیة المصلی» و «مرقات شرح مشکوة» موجود است.

محقق بزرگ ابوالحسن سندی حنفی (رحمه الله) (متوفی ۱۱۳۹) در حاشیه سنن ابن ماجه در رابطه با حدیث جریر

در شماره قبل بیان کردیم که مستدل کسانی که قائل به گستردن سفره هستند حدیث مشکوة است که در آن لفظ «امرأته» بکار رفته، همچنین در تصحیح لفظ این حدیث دلایلی بیان شد که لفظ «امرأة» صحیح است و «امرأته» درست نیست.

علاوه بر منابع ذکر شده در منابع دیگری هم از جمله: مشکل الآثار امام ابوجعفر طحاوی حنفی ۱۳۲/۲، معانی الآثار امام طحاوی، کتاب المعتصر من مختصر مشکل الآثار، سنن دارقطنی و مسند امام احمد، لفظ «امرأة من قریش» بکار رفته است.

با توجه به روایات ذکر شده در قسمت اول بحث و منابع جدیدی که در این قسمت به آن اشاره شده چنین بر می آید که:

اولاً: لفظ «امرأته» که در مشکوة است اشتباه بوده و لفظ صحیح آن «امرأة» است.

بنابراین تصور جواز ضیافت از طرف اهل میت صحیح نیست.

ثانیاً: از روایت مسند امام احمد چنین بر می آید که جنازه فردی از انصار بود، و زن دعوت کننده از قریش، لذا زن دعوت کننده از اهل میت نبود.

ثالثاً: از عبارات مشکل الآثار و معانی الآثار معلوم می شود که این زن قبل از این تمنا داشته که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را پذیرایی کند، اما در همین روز که انصاری رحلت کرد موفق شد به آرزوی دیرینه اش برسد نه اینکه از اهل میت بوده و از طرف اهل میت طعام مهیا شده است.

رابعاً: اگر لفظ «امرأته» که در مشکوة آمده صحیح باشد باید گفت که این قضیه یا قبل از ورود نهی صورت گرفته یا پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم) نخواست آن زن را بر نجانند، در

بن عبدالله نوشته:

«و فی الزوائد<sup>(۱)</sup> اسناد صحیح. رجال الطریق الاول علی شرط البخاری و الثانی علی شرط مسلم».

علامه سنندی (رحمه الله) در حاشیه ابن ماجه چنین می فرماید:

«نری هذا بمنزلة رواية الاجماع للصحابة (رضی الله عنهم) أو تقرير النبي (صلی الله علیه وسلم)، و علی الثانی فحکمه الرفع و علی التقديرين فهو حجة، و صنعته أي الأهل و أفرد الضمير لإفراد لفظ الأهل و بالجملة فهذا عكس الوارد، اذا الوارد أن يصنع الناس لأهل الميت فاجتماع الناس فی بيتهم حتى يتكفوا لأجلهم الطعام قلب لذلك، و قد ذكر كثير من الفقهاء أن الضيافة من أهل الميت قلب للمعقول لأن الضيافة حق أن تكون للسرور لا للحزن».

یعنی: قول حضرت جریر بن عبدالله (رضی الله عنه) که می فرماید: «ما صحابه الخ...» به منزله نقل اجماع صحابه (رضی الله عنهم) یا بمنزله روایت تقریر و تأیید نبی ﷺ است.

یعنی: صحابه (رضی الله عنهم) بر همین عقیده بودند و پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) خاموش بودند و در صورت دوم این حدیث در حکم حدیث مرفوع است. در هر دو صورت این حدیث حجت است.

خلاصه کلام، این که: این جمع شدن برای خوردن در منزل اهل میت عکس حکم شریعت است، زیرا که حکم وارد شده در شرع این است که مردم برای اهل میت طعام بپزند.<sup>(۲)</sup> و کوشش کنند که نزدیکان و اهل میت غذا بخورند، پس جمع شدن مردم در منزل اهل میت که اقربای میت به تکلف، طعام و غذا تهیه کنند عکس حکم وارد شده در شرع است، و بسیاری از فقهاء ذکر کرده اند که ضیافت از طرف اهل میت وارونه کردن معقول است، چون ضیافت و میهمانی در ایام خوشی و سرور مروج بوده، و در ایام غم و اندوه سابقه ندارد.

۲- در مصنف ابن ابی شیبیه<sup>(۳)</sup> (متوفی ۲۳۵ هجری) کتاب الجنائز باب ما قالوا فی الاطعام و النياحة چنین می فرماید:

«حدثنا وكيع عن مالك بن مغول عن طلحة قال قدم جرير (رضی الله عنه) علی عمر (رضی الله عنه) فقال: هل يباح قبلكم علی الميت؟ قال: لا، قال: هل تجتمع النساء عندكم علی الميت و يطعم الطعام؟ قال: نعم، قال: تلك النياحة».

ترجمه: حضرت جریر (رضی الله عنه) نزد حضرت

عمر (رضی الله عنه) تشریف آورد؛ حضرت عمر (رضی الله عنه) فرمود: در نزد شما نوحه می شود؟ گفت: خیر، سیدنا حضرت عمر (رضی الله عنه) فرمودند: آیا زنان نزد اهل میت جمع و اطعام می شوند؟ گفت: آری، حضرت عمر (رضی الله عنه) فرمود: آری، این از جمله نوحه است. یعنی: رسوم کفر مثل نوحه گناه دارد.

در روایت دیگر آمده:

«حدثنا وكيع بن الجراح عن سفیان عن هلال بن خباب عن ابی اليختری<sup>(۴)</sup> قال: الطعام علی الميت من أمر الجاهلية و

۱- اشاره به کتاب مجمع الزوائد است که مؤلف آن محدث بزرگ علامه هیشمی متوفی ۸۰۷ است و استاد علامه ابن حجر عسقلانی هستند.

۲- حکم شرعی همین است که به خویشاوندان میت طعام داده شود، در سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجه و مسند امام احمد به سند صحیح این حدیث آمده است که هنگامیکه خبر موت جعفر بن ابی طالب آمد پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: «برای اهل جعفر طعام بپزید که آنها در غم و مصیبت اند» همچنین در صحیح بخاری کتاب الاطعمة از حضرت عایشه صدیقه این روایت مروی است که هرگاه از عزیزان و اقربای وی کسی انتقال می یافت و زنان برای تعزیت جمع می شدند، بعد از منتشر شدن زنان برای عزیزان و اقربای میت تبلیغ (نوعی غذاست که در وقت غم و برای تقویت قلب بسیار مفید است) تهیه و نزد آنها می فرستاد. در ابن ماجه مذکور است که به احتمال اینکه آینده این طعام برای اهل میت رسماً درست شود، لهذا متروک شد.

۳- امام ابن ابی شیبیه استاد امام بخاری و امام مسلم و امام ابوداود است و شاگرد شاگردان امام اعظم ابوحنیفه (رحمه الله) می باشد و از روایت بالا معلوم شد که ابن ابی شیبیه از وکیع بن الجراح روایت می کند و او شاگرد امام اعظم ابوحنیفه (رحمه الله) است و در این کتاب برای تأیید مذهب امام اعظم (رحمه الله) آثار زیادی از صحابه و تابعین موجود است.

۴- این تابعی جلیل القدر سعید بن فیروز است، در کوفه سکونت داشت، بدون واسطه از ابن عباس و ابن عمر (رضی الله عنهم) روایت دارد و از حضرت عمر (رضی الله عنه)



نتیجه: از روایت اولی ظاهر می شود که در خلافت حضرت امیرالمؤمنین عمر (رضی الله عنه) در نزد بعضی از مردم این رسم مروج بود، اما امیرالمؤمنین این را از رسوم جاهلیت قرار داد و آنرا مساوی نوحه دانست، غالباً این رسم توسط افرادی غیر از صحابه کرام (رضی الله عنهم) انجام می گرفت و گرنه خود حضرت جریر راوی حدیث «کنا نعد اتخاذ الطعام من النیاحه» است، و بخاطر دستور منع این رسم از طرف حضرت عمر (رضی الله عنه) و اجماع متوقف شد.

### فوائدی متعلق به حدیث جریر (رضی الله عنه)

الف: همانطور که واضح گردید، محدثین و علمای زیادی در این مورد در کتابهایشان ابواب و عناوین متعددی ذکر کرده اند که از آن جمله در سنن ابن ماجه و مصنف ابن ابی شیبیه «باب کراهیه طعام المیت» و در منتقی الأخیار در احکام الجنائز بابی تحت عنوان «باب صنع الطعام لأهل المیت و کراهيته منهم للناس» که به پختن غذا برای خانواده میت ترغیب داده شده و کراهت پخت و پز غذا توسط خانواده میت برای دیگران بیان گردیده است.

در ابتدا حدیث عبدالله بن جعفر (رضی الله عنه) به حواله ابوداود و ترمذی و غیره... را، بعد حدیث جریر بن عبدالله به حواله ابوداود و حدیث حضرت انس (رضی الله عنه) را ذکر کرده است که: «لا عقر فی الاسلام» یعنی: در اسلام ذبح کردن حیوان بر سر قبر میت جایز نیست. مطلب این حدیث در زیلعی شرح کنز الدقائق می آید.

اما خود ابوداود در شرح این حدیث آورده که کفار در نزدیک قبرها حیوان ذبح می کردند، امام خطابی در «معالم السنن» درباره این حدیث فرموده است: کفار برای مشهور کردن سخاوت مرد سخی بعد از دفنش بر قبر او حیوان ذبح می نمودند و بر این باور بودند که روح میت که به آن «صدی» می گفتند، این غذاها را می خورد.

ب: روایت ابن ابی شیبیه که متعلق به حدیث حضرت جریر (رضی الله عنه) بود در سنن سعید ابن المنصور (متوفی ۲۲۷) نیز موجود است، چنانکه در کتاب «تسلية المصائب» تصنیف ابوعبدالله محمد بن محمد منجیحی حنبلی (رحمه الله) آمده است:

«ان جریراً وفد علی عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) فقال: هل یناح علی میتکم؟ قال: لا، قال: فهل تجتمعون عند اهل المیت و یجعلون الطعام؟ قال: نعم، قال: ذلك التوح».

باز مؤلف کتاب «تسلية المصائب» به حواله امام موفق الدین ابن قدامه حنبلی (متوفی ۶۲۰) آورده که او این واقعه را در کتاب «المغنی» نوشته که چنین طعامی را ناجایز قرار داده است و این امام، محقق برجسته و صاحب کرامات است و از شاگردان شیخ عبدالقادر جیلانی حنبلی (رحمه الله) می باشد و کتابش «المغنی» حائز رتبه اعلی بوده و پر حجم است، این روایت را در کتاب الجنائز: ۴۱۳/۲ ذکر کرده است. عنوان مسئله چنین است:

«و لا بأس أن یصلح لأهل المیت طعاماً یبعث به الیهم و لا یصلحون طعاماً یطعمون الناس».

یعنی: در این حرجی نیست که برای اهل میت غذا بپزند و بفرستند، اما اهل میت برای مردم غذا نپزند. در زیر آن امام موفق (رحمه الله) نوشته اند:

«فاما صنع اهل المیت طعاماً للناس فمکروه، لان فیه زیادة علی مصیبتهم و شغلاً لهم الی شغلهم و تشبیهاً بصنع اهل الجاهلیة، یروی ان جریراً<sup>(۱)</sup> وفد علی عمر (رضی الله عنه) فقال:

و حضرت علی (رضی الله عنه) به طور مسلسل روایت می کند، در سال ۸۳ هـ وفات یافت.

اول بند ممکن است این کلام را از حضرت عمر (رضی الله عنه) شنیده باشد چنان که حضرت جریر همچنین روایتی از خلیفه دوم حضرت عمر (رضی الله عنه) داشت.

### ۱- زندگی نامه جریر بن عبدالله (رضی الله عنه)

حضرت جریر بن عبدالله بن جابر در یمن سردار قبیله بجیله بود که قبل از وفات رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) مشرف به اسلام شد، دارای قامتی بلند و از لحاظ شکل و صورت بسیار زیبا بود و از این سبب او را به لقب «یوسف هذه الامة» می خواندند؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) او را برای آتش زدن و شکستن بعضی بتهای مشهور مأمور ساختند و ایشان نیز وظیفه خود را باموفقیت انجام داد، رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) او را از اهل بیت به حساب می آورد و یک بار برای وی چادر خویش را پهن کردند، وی می گفت: از وقتی که مسلمان شده ام پیامبر (صلی الله علیه وسلم) مرا از منزلش منع نکرده و هر وقت مرا می دید تبسم می نمود.

در حیات پیامبر (صلی الله علیه وسلم) والی یمن بود، حضرت عمر (رضی الله عنه) جرأت و شجاعت او را دید و او را به

هل يباح على ميتكم؟ قال: لا، قال: و هل يجتمعون عند اهل الميت و يجعلون الطعام؟ قال: نعم، قال: ذلك النوح.

تقریباً همین عبارت در الشرح الكبير ۶۸۲/۲ که همراه با «المغنی» چاپ شده است موجود است و «شرح كبير» از شمس الدين ابن قدامة برادرزاده موفق الدين ابن قدامة مؤلف «المغنی» است.

از روایات بالا معلوم شد که جمع شدن نزد اهل میت و طعام خوردن در آنجا چنانکه در این زمان در بعضی مناطق مروج است مخالف اجماع صحابه (رضی الله عنهم) و معارض حکم خلیفه ثانی حضرت فاروق اعظم (رضی الله عنه) و بر خلاف عقیده آن روایت کنندگانی است که از خلفای راشدین روایت دارند، بنابر این ممنوع و بدعت است.

### عبارات فقهی که دلالت بر کراهت و بدعت بودن طعام از طرف اهل میت دارند

۱- علامه طاهر بن احمد بن عبدالرشید بخاری (متوفی ۵۴۲ هـ) در خلاصة الفتاوی می نویسد:

«و لا یباح اتخاذ الضیافة عند ثلاثة ايام لان الضیافة یتخذ عند السرور»<sup>(۱)</sup>

یعنی: ضیافت در سه روز مباح نیست زیرا که ضیافت در ایام خوشی و سرور برگزار می شود.

۲- در فتاوی قاضیخان در کتاب الحظر و الاباحة چاپ مصر نوشته:

«و یکره اتخاذ الضیافة فی ايام المصيبة لأنها ايام تأسف فلا یلیق بها ما یكون للسرور و ان اتخذ طعاماً للفقراء کان حسناً اذا کانوا بالغین، فان کان فی الورثة صغیر لم یتخذوا ذلك من التركة»<sup>(۲)</sup>

یعنی: در ایام مصیبت ضیافت مکروه است، زیرا که این ایام، ایام غم و تأسف اند، در این ایام انجام عملی که در حالت سرور آن را اعمال می کنند مناسب نیست، و اگر برای فقرا غذا آماده کنند خوب است به شرطی که ورثه بالغ باشند و اگر در ورثه افراد صغیر و نابالغی باشند از مال متروکه برای مساکین طعام و غذا تدارک دیده نشود. (شرایط پختن غذا برای مساکین بعد از این، ذکر خواهد شد).

۳- علامه زبلی (متوفی ۷۴۳ هـ) در «تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق» می نویسد:

«و لا بأس للجلوس لها - ای للتعزية - الی ثلاثة ايام من غیر ارتکاب محظور من فرش البسط و الاطعمة من اهل الميت لانها یتخذ عند السرور، و عن انس (رضی الله عنه) انه «قال: لا عقر

فی الاسلام» و هو الذي كان يعقر عند القبر بقرة أو شاة».

یعنی: برای تعزیه تا سه روز نشستن اشکالی ندارد به شرطی که با کار نامشروع از قبیل: گستراندن فرش و تدارک طعام از جانب خانواده میت همراه نباشد، زیرا اینها به هنگام شادمانی برگزار می شوند و از حضرت انس (رضی الله عنه) روایت شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: در اسلام مسئله ای به نام ذبح گاو و گوسفند بر سر مزار وجود ندارد.

توضیح: علامه چلبی (رحمه الله) در حاشیه کنز می فرماید: «و اکثرهم علی أن یعزى الی ثلاثة ايام ثم یتربک لثلاث یتجدد الحزن».

جنگهای عراق فرستاد، بعد از فتح قادسیه در کوفه رحل اقامت افکند و در زمان خلافت حضرت عمر (رضی الله عنه) از کوفه به مدینه منوره آمد.

تشریف آوردن حضرت جریر نزد حضرت عمر (رضی الله عنه) چنانکه قبل از این ذکر شد به یقین در زمانی بود که حضرت جریر در کوفه سکونت داشت؛ همچنین ابوالبختری، کوفی است و در روایت ابن ماجه، روایت کننده از جریر، قیس بن ابی حازم کوفی بجلی است که در سال ۹۸ هـ. در گذشته است و این قیس از بزرگان تابعین و روایت کننده از خلفای راشدین است و راوی او اسماعیل بن ابی خالد نیز کوفی بجلی (متوفی ۱۴۶) می باشد، بنابر این بیشتر راویان در روایت «نهی عن طعام الميت» کوفی هستند و معلوم است که کوفه محل تولد و مسکن امام اعظم ابوحنیفه (رحمه الله) و محل اقامت بقیه ائمه حنفیه است.

حضرت جریر بعد از اینکه به مدینه آمد حضرت علی (رضی الله عنه) او را نزد امیر معاویه (رضی الله عنه) فرستاد و حضرت معاویه (رضی الله عنه) او را تا دیر نزد خود نگاه داشت. از او صد حدیث روایت شده که بر هشت حدیث، بخاری و مسلم متفق اند. بر یکی بخاری منفرد و بر هشت دیگر مسلم منفرد هستند. در سال ۵۱ هـ. وفات نمود. رضی الله عنه و ارضاه». منقول از احسن المقالات به حواله کتب رجال.

۱- خلاصة الفتاوی: ۳۴۲/۲

۲- فتاوی قاضیخان: ۴۰۵/۳ ط مصر



المحترار» این طعام را مکروه گفته است و حواله اش بعداً ذکر خواهد شد.

۹- در «المدخل» تألیف ابن الحاج مالکی (متوفی ۷۳۷ هـ) که کتاب بسیار معروفی می باشد و مؤلفش شخصیتی بزرگ است آمده است:

«اما اصلاح اهل المیت طعاماً و جمع الناس فلم ينقل فيه شيء و هو بدعة غير مستحب».<sup>(۵)</sup>

باز می آمده که حضرت امام مالک و بزرگان دیگر در موقع ختنه یا عقیقه جمع شدن مردم را شایسته نمی دانستند، و می فرمایند:

«فما بالك بما اعتاده بعضهم في هذا الزمان من ان اهل المیت يعملون الطعام ثلاث ليال و يجمعون الناس عليه عكس ما حکى عن السلف -رضى الله تعالى عنهم- فليحذر من فعل ذلك فانه بدعة مكروهة، و لا بأس للصدقة عن المیت للمحتاجين و المضطرين لا للجمع عليه ما لم يتخذ ذلك شعاراً يستن به لان افعال القرب افضلها ما كان سراً، والله الموفق».

بعد از آن عبارت زیر به چشم می خورد:

«و ليحذر مما احده بعضهم من ان ولي المیت يعمل العشاء ثلاث ليال».

یعنی: از این بدعت نیز پرهیز شود که بعضی آن را رواج داده اند که ولی میت تا سه شب غذا درست می کند و به مردم می خوراند.

۱۰- علامه ابن حجر هیتمی در فتاوی کبری در این مورد سوال و جوابی را نقل کرده که در ذیل درج می شود:

«سئل عما يعمل يوم ثالث من موته من تهيئة أكل و اطعامه للفقراء و غيره و عما يعمل يوم السابع الخ...»

اجاب: جميع ما يفعل مما ذكر في السؤال من البدع المذمومة».<sup>(۶)</sup>

یعنی: هر چه در سوال نوشته شده است از بدعات مذمومه اند.

یعنی: بیشتر علماء بر این امر متفق اند که بعد از سه روز تعزیت عرض نشود تا غم تازه نگردد.

حضرت علامه درباره طعامی که از طرف اهل میت مهیا می شود فرمود: صاحب فتح القدير این را بدعت مستقبحه گفته اند و حدیث جریر را بعنوان دلیل آورده است.

۴- در فتاوی بزازیه علامه کردری (متوفی ۸۲۷ هـ ق) در کتاب الحظر و الاباحة می فرماید:

«و یکره اتخاذ ضیافة ثلاثة ايام و اكلها لانها مشروعة للسرور، و یکره اتخاذ الطعام فی اليوم الاول و الثالث و بعد الاسبوع و الاعیاد و نقل الطعام الى القبر فی المواسم و اتخاذ الدعوة بقراءة القرآن و جمع الصلحاء و القراء للختم أو لقراءة سورة الأنعام أو الاخلاص، فالحاصل أن اتخاذ الطعام عند قراءة القرآن لأجل الأكل یکره».<sup>(۱)</sup>

یعنی: از طرف اهل میت تا سه روز آماده کردن طعام و خوردنش مکروه است، زیرا که ضیافت در وقت خوشی مشروع است و پختن طعام در روز اول و سوم و بعد از هفته و ایام عید و بردن طعام به گورستان در موقع خاص مکروه است. و تهیه کردن طعام برای ختم قرآن و جمع کردن صلحاء و قراء برای خواندن سوره انعام یا اخلاص مکروه می باشد؛ خلاصه آماده کردن طعام برای خوردن در وقت ختم قرآن مکروه است.

باز ایشان در کتاب الاستحسان، در همین کتاب چنین ضیافتی را مکروه شمرده اند.

۵- در فتح القدير شرح هدایه از ابن الهمام (متوفی ۸۶۱ هـ) نوشته شده است:

«و یکره اتخاذ ضیافة من الطعام من اهل المیت لانه شرع فی السرور لانی الشرور و هی بدعة مستقبحة لما روی الامام احمد و ابن ماجه باسناد صحیح عن جریر بن عبدالله، قال: کنا نعد الاجتماع الى اهل المیت و صنعهم الطعام من النياحة».<sup>(۲)</sup>

۶- در جامع الرموز قهستانی (متوفی ۹۵۶ هـ) در کتاب الکراهية چنین مرقوم است:

«و یکره اتخاذ ضیافة فی هذه الايام و کذا اكلها کما فی حیرة الفتاوی».<sup>(۳)</sup>

یعنی: آماده کردن ضیافت و خوردنش در این روزها مکروه است.

۷- در فتاوی عالمگیری (هندیه) چنین نوشته شده است: «و لا یباح اتخاذ ضیافة عند ثلاثة ايام کذا فی تاتارخانية».<sup>(۴)</sup>

۸- علامه ابن عابدین شامی (متوفی ۱۲۵۲ هـ) در «رد

۱- فتاوی بزازیه: ۸۱/۴

۲- شرح فتح القدير: ۴۷۳/۱ ط مصر

۳- جامع الرموز: ص ۴۴۳ ط هندوستان

۴- الهندية: ۱۶۷/۱

۵- المدخل: ۲۷۵/۳

۶- فتاوی کبری: ۷/۲

توضیح: عبارات جامع الرموز و تبیین الحقائق تصریح دارند که خوردن این طعام نیز مکروه است.

اعتراض: بعضی ها می گویند که اگر جمع شدن نزد اهل میت و تهیه طعام مکروه است باید خوردنش جایز باشد؟ در جواب عرض می شود که از عبارت دو کتاب مذکور و عبارت «رد المحتار» که منقول از ابوبکر بلخی است معلوم می شود که خوردنش نیز ناجایز است.

### رفع اشتباهی که از عبارت کتاب «کبیری شرح عنیه المصلی» پیش آمده

تا اینجا مشخص شد که در حدیث عاصم بن کلیب لفظ صلی، «امرأة» است، حال به بیان اشتباه دیگری می پردازیم که علامه ابراهیم حلبی (متوفی ۹۵۶ هـ) در کتاب خود «غنیة المستملی شرح منیه المصلی» آورده است.

«و یکره اتخاذ ضیافة من أهل المیت بانه شرع فی السرور لا فی الحزن، قالوا و هی بدعة مستقبحة، لما روى الامام احمد و ابن ماجة باسناد صحیح عن جریر بن عبدالله، قال: کنا نعد الاجتماع الى أهل المیت و صنعهم الطعام من النیاحة. ذکره کله ابن الهمام».

بعد از بیان عبارت سابق الذکر فتاوی بزازیه، تمام مطلب را نوشته و سپس گفته است:

«و لا یخلو عن نظر لأنه لا دلیل علی کراهة الا حدیث جریر بن عبدالله المتقدم و انما يدل علی کراهة ذلك عند الموت فقط علی أنه عارضه ما رواه الامام احمد بسند صحیح، و ابوداود عن عاصم بن کلیب عن أبيه عن رجل من الانصار، قال خرجنا الخ...».

در اینجا روایت ابوداود ذکر شده است اما بجای «امرأة» لفظ «امراته» را آورده است، سپس می فرماید:

«فهذا يدل علی اباحة صنع اهل المیت الطعام و الدعوة الیه». مناسب است که نوشته علامه ابن عابدین شامی (رحمه الله) در جواب عبارت «کبیری» ذکر گردد تا کسی که دنبال تحقیق است و بر کتاب «رد المحتار» اعتماد کامل دارد مطمئن شود.

و فی الرد باب صلوة الجنائز:

«قال فی الفتح: و یتحب لجیران أهل المیت و الأقرباء الأبعاد تهیة طعام لهم یشبعهم یومهم و لیلتهم، لقوله (صلی الله علیه وسلم): اصنعوا لآل جعفر طعاماً فقد جاءهم ما یشغلهم» حسنه الترمذی و صححه الحاكم (رحمه الله) و لانه برّ و معروف و یلح علیهم فی الأکل لأن الحزن یمنعهم من ذلك

فیضعفون». و قال ایضاً:

«و یکره اتخاذ الضیافة من الطعام من أهل المیت لأنه شرع فی السرور لا فی الشرور و هی بدعة مستقبحة، روى الامام احمد و ابن ماجة باسناد صحیح عن جریر بن عبدالله، قال: کنا نعد الاجتماع الى أهل المیت و صنعهم الطعام من النیاحة اه. و فی البزازیة: و یکره اتخاذ الطعام فی الیوم الاول و الثالث و بعد الاسبوع، و نقل الطعام الى القبر فی المواسم و اتخاذ الدعوة لقراءة القرآن و جمع الصلحاء و القراء للختم أو لقراءة سورة الانعام و الاخلاص».

و الحاصل: ان اتخاذ الطعام عند قراءة القرآن لأجل الأکل یکره و فیها من کتاب الاستحسان و ان اتخذ طعاماً للفقراء کان حسناً. اه.

و اطال فی ذلك فی المعراج، و قال: و هذه الأفعال کلها للسمعة و الریا فیحترز عنها لانهم لا یریدون بها وجه الله. اه. و بحث ههنا فی شرح المنیه لمعارضة حدیث جریر المار بحدیث آخر فیه انه (علیه السلام) دعته امرأة رجل میت لما رجع من دفنه فجاء و جییء بالطعام؛ أقول و فیه نظر فانه واقعة حال لا عموم لها مع احتمال سبب خاص بخلاف ما فی حدیث جریر علی انه بحث فی المنقول فی مذهبا و مذهب غیرنا کالشافعیة و الحنابلة استدلالاً بحدیث جریر المذكور علی الکراهة و لا سیما اذا کان فی الورثة صغاراً أو غائب الخ...»<sup>(۱)</sup> ترجمه: در فتح القدر گفته است: همسایه اهل میت و خویشان اهل میت که در خویشاوندی دورترند برای اهل میت طعام آماده کنند همین قدر که یک شبانه روز سیر شوند، چرا که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده: برای آل جعفر طعام سازید زیرا که بر آنان مصیبت آمده و حال و حوصله پخت و پز را ندارند. ترمذی این حدیث را حسن گفته و حاکم هم بر آن صحه گذاشته است.

پختن طعام برای اهل میت کار خیر و احسان شرعی است و اهل میت به خوردن مجبور شوند، زیرا که غم، آنها را از خوردن باز می دارد پس ضعیف می شوند. باز صاحب فتح القدر گفته که پختن طعام از طرف اهل میت مکروه است؛ زیرا ضیافت در وقت خوشی مشروع شده نه در وقت غم و مصیبت! که این خود بدعت زشتی است.

امام احمد و ابن ماجه به سند صحیح از جریر بن عبدالله



ثواب است.<sup>(۱)</sup>

در فتاوی رشیدیة آمده است:

باید دانست که صدقه برای اموات بسیار مفید است. در مذهب اهل سنت مشروط به شرطی است که این صدقه موافق با حکم شرع باشد، چنانکه حفر چاه و بنای مسجد ثواب دارد، دادن پول نقد، لباس و غیره به فقراء به اتفاق جایز، و برای مردگان مفید و سودمند است.<sup>(۲)</sup>

صاحب رد المحتار می گوید: صاحب شرح المنیة در اینجا بحث نموده که حدیث جریر با حدیث دیگری معارض است که در آن پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را هنگام بازگشت از دفن میت، زن شخصی که مرده بود دعوت کرد، حضرت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) تشریف آورد و طعام آورده شد.

سپس صاحب رد المحتار با این قول خود «أقول: فیه نظر» جواب می دهد که این حدیث عام نیست تا با حدیث جریر معارض شود، احتمال دارد که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به یک سبب خاصی این دعوت را قبول کرده است و حدیث جریر عام است علاوه از این، این کلام صاحب شرح منیة المصلی بحثی است در مورد چیزی که در مذهب ما «احناف» و در مذهب غیر ما مانند شافعیه و حنابله منقول و ثابت است که از حدیث جریر بر کراهت طعام استدلال کرده اند.

باز صاحب رد المحتار می فرماید: بخصوص زمانی در کراهت اینگونه غذاها هیچ تردیدی باقی نمی ماند که در ورثه نابالغ یا غایب وجود داشته باشد.

اکنون برای افراد با انصاف خوب روشن شد که تمسک به عبارت کیبری خلاف انصاف و خلاف مذاهب است. ناگفته نماند که علامه شامی در کتاب الوصایا عبارت فتح القدر را نقل کرده و مسئله بالا را (کراهت طعام اهل میت) تأکید کرده است.

### جواب شبهه‌ای که از عبارت کتاب مرقات شرح مشکوة پیدا می شود

بعضی افراد از عبارت ملا علی قاری (رحمه الله) در کتاب شرح مشکوة که تحت حدیث عاصم بن کلیب آمده است استدلال می کنند.

روایت کرده اند که گفته: ما (یعنی اصحاب پیامبر) جمع شدن نزد اهل میت و آماده کردن طعام از طرف اهل میت را نوحه می شمردیم».

باز شامی گفته است که «بزازیه» تهیه نمودن طعام را در روز اول و سوم و بعد از یک هفته و بردن طعام را بر قبر در اوقات مخصوص و مهیا کردن طعام برای ختم قرآن و جمع کردن نیکان و قاریان قرآن برای ختم قرآن یا برای خواندن سوره انعام یا سوره اخلاص را مکروه گفته است.

خلاصه درست کردن و پختن غذا در وقت ختم قرآن مکروه است. و در بزازیه در کتاب الاستحسان می فرماید: اگر برای فقراء غذا تهیه شود خوب است. در معراج در این مورد بحثی طولانی کرده و می فرماید: این کارها همه برای شهرت و ریا است.

قرینه دال بر این که مقصود از این طعام ایصال ثواب نیست؛ بلکه ریا و به دیگران نشان دادن است موارد زیر می باشد:

۱- اخفاء صدقه افضل است لیکن با وجود این، هر چند ترغیب به اخفاء صدقه شود باز هم نمی پذیرند.

۲- صدقه بصورت نقد خیلی بهتر است؛ زیرا که اخفاء آن آسان تر و برای نیازمندان سودمندتر است که هر ضرورتی باشد از همین پول نقد بر آورده می شود، و اگر الان ضرورت نباشد پول را برای وقت ضرورت می تواند محفوظ کند و در اطعام این فایده نیست؛ بلکه در بعضی اوقات خوردن مضر می شود لیکن با وجود این کسی راضی نیست که بجای اطعام پول نقد بدهد.

۳- در صدقه بهترین صورت این است که نیاز حاجتمندان مد نظر قرار داده شود.

یعنی: مریض به دارو نیاز دارد، مسافر به کرایه، گرسنه به غذا، برهنه به لباس، طالب علم به کتاب، و این نیازها با پول نقد رفع می شود و اگر وارثان را هر چند ترغیب کنید که پول نقد به فقراء بدهید، هم برای فقراء سودمند و هم برای میت نافع است، و برای صدقه دهنده هم بهتر است، زیرا زحمت کمتر و ثواب بیشتر. اما بخاطر ترس از طعنه مردم راضی به این کار نمی شوند.

۴- و اگر مقصد ایصال ثواب می بود، فقراء و مساکین را مقدم بر دیگران می دانستند؛ اما واقعتاً چنین نیست بلکه احباب و ثروتمندان مقدم بر فقراء هستند. و در بعضی موارد برای نام هم فقیری وجود ندارد؛ پس چگونه کسی جرأت می کند که بگوید این خرج و مخارج برای ایصال

۱- احسن الفتاوی

۲- اختصار از فتاوی رشیدیة به حواله احسن الفتاوی

ان اتخاذ طعاماً للفقراء كان حسناً، و اما الوصية باتخاذ الطعام بعد موته ثلاثة ايام باطلة على الاصح، و قيل: يجوز ذلك من الثلث و هو الأظهر. انتهى.»

ترجمه: (ملا علی قاری جواب می دهد:) پس مناسب است که کلام بزرگان مقید شود به نوع خاصی که مراد آن اجتماعی است که موجب خجالت خانواده میت می شود که با وجود ناخوشی به مردم طعام بدهند. و یا مراد بزرگان در آن صورت است که در میان ورثه، افراد نابالغ یا غایب وجود داشته باشند یا رضایت وارث معلوم نشود.

یا طعام از شخصی معین نباشد؛ بلکه از مال متروکه میت باشد که تاکنون تقسیم نشده است یا مواردی از این قبیل، که عبارت قاضیخان بر همین محمول می شود که گفته: ضیافت از طرف اهل میت در روزهای تعزیت و مصیبت مکروه است زیرا که این روزها ایام تأسف اند، پس در این ایام آنچه که به عنوان شادمانی و خوشحالی باشد مناسب نیست. و اگر برای فقراء طعام آماده کنند خوب است. و وصیت برای طعام دادن بعد از موتش تا سه روز باطل است و همین قول صحیح تر است که تا ثلث مال جایز باشد و ظاهر امر همین را می رساند.

توجه: از تحقیق ملا علی قاری اشتباه نشود که او اجازه طعام مروج را داده است بلکه این رسم مروج بنام اول شام و غیره از آن اقسام ممنوع خارج نیستند در بعضی از آنها یک مفسده و در بعضی دیگر مفسد زیادی یافته می شود، نیز اگر این بزرگوار به مأخذ حدیث رجوع می کرد در می یافت که در حدیث، لفظ صحیح «امرأة» است نه «امراته». و نیاز نداشت که عبارت فقهاء را که همه مطلق هستند بر خلاف ظاهر مقید بنمایند و شاید ملا علی قاری (رحمه الله) بعد از مرقات شرح مشکوة در وقت تألیف شرح نقایه لفظ صحیح حدیث را معلوم کرده است؛ زیرا در شرح نقایه این طعام را مطلق مکروه گفته است. در کتاب الجنائز شرح نقایه می فرمایند:

«و یکره اتخاذ الضیافة من اهل المیت لانه شرع فی السرور لا فی ضده و هی بدعة مستقبحة. و یستحب للاقارب و الجیران تهیة طعام لهم یشبعهم یومهم و لیلتهم، لقوله (علیه السلام): «اصنعوا لآل جعفر طعاماً فقد جاءهم ما یشغلهم» رواه الترمذی و حسنه الحاکم فی صحیحه. و یلحّ خعلیهم فی الاکل لان

در جوابش مناسب است که تمام عبارت مرقات را ذکر کرده، و بعد از آن تحقیق اخیر این دانشمند بزرگ را که در کتاب دیگری به نام «شرح نقایه» آمده است نقل کنم و قضاوت و داوری را به عهده خوانندگان منصف و عادل بگذارم.

عبارت مرقات به شرح زیر است:

«هذا ظاهر الحدیث یرد علی ما قرره اصحابنا کما فی البزازیة، و ذکر فی الخلاصة: انه لا یباح اتخاذ الضیافة عند ثلاثة ايام، و قال الزیلعی: و لا بأس بالجلوس للمصیبة الی ثلاث من غیر ارتکاب محظور من فرش البسط و الاطعمة من اهل المیت. و قال ابن الهمام: یکره اتخاذ الضیافة من اهل المیت؛ و الكل علّوه بأنه شرع فی السرور لا فی الشرور، و قال: (أی صاحب الفتح) و هی بدعة مستقبحة.

روی الامام احمد و ابن ماجه باسناد صحیح عن جریر بن عبدالله قال: «کنا نعد الاجتماع الی اهل المیت و صنعهم الطعام من النیاح. انتهى.»

ترجمه: ظاهر این حدیث دلالت می کند بر آنچه که بزرگان ما ثابت کرده اند که: تهیه طعام در روز اول یا سوم یا بعد از هفته مکروه است، چنانکه در بزازیة ذکر شده است. و در خلاصة الفتاوی می فرماید: برپا کردن ضیافت در سه روز مباح نیست. و زیلعی می فرماید: در نشستن برای تعزیه تا سه روز حرجی نیست به شرط اینکه کار نامشروعی از قبیل: گستراندن فرش و آماده کردن طعام از طرف افراد وابسته به میت در آن نباشد.

و امام ابن الهمام فرموده اند: تهیه طعام و میهمانی از طرف اهل میت مکروه است. و تمام فقهاء این دلیل را آورده اند که ضیافت در هنگام خوشی می شود نه در حالت غم. و صاحب فتح فرموده: این بدعت زشتی است.

امام احمد و ابن ماجه به سند صحیح از جریر بن عبدالله روایت کرده اند که گفته است: ما (صحابه) جمع شدن نزد اهل میت و آماده کردن غذا را برای مردم جزو نوحه می شمردیم.

سپس می فرماید:

«فینبغی أن یقید کلامهم بنوع خاص من اجتماع یوجب استحياء اهل المیت فیطعموهم، أو یحمل علی کون بعض الورثة صغیراً، أو کان غائباً، و لم یعرف رضاه أو لم یکن الطعام من عند احد معین من مال نفسه بل من المیت قبل القسمة و نحو ذلك، و علیه یحمل قول قاضیخان: یکره اتخاذ الضیافة فی ایام المصیبة لانها ایام تأسف فلا یلیق بها ما یكون للسرور، و



الحزن يمنعهم من ذلك فيضعفون. هناك انتهى» (۱)

ترجمه: برپا کردن ضیافت از طرف اهل میت مکروه است چرا که این مشروع شده است در خوشی نه در ضد آن، یعنی در غم و این بدعت قبیحه است. و مستحب آن است که خویشاوندان و همسایگان برای اهل میت طعام آماده کنند که در یک شب و یک روز آنها را سیر نماید زیرا که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: برای آل جعفر غذا تهیه کنید چون بر آنها چیزی وارد شده که آنها را ناراحت و بخود مشغول کرده است. این حدیث را ترمذی روایت کرده، و حاکم در صحیح خود حسن گفته است. و با اصرار از خانواده میت بخواهند که چیزی بخورند چون که غم و حزن آنها را از خوردن باز می دارد و سپس ضعیف می کند. دلیل بر این که کتاب شرح نقایه بعد از مرقات نوشته شده، این است که شرح نقایه: ۲۲۳/۱ گفته است: «و قد بسطت الكلام على هذا المرام في المرقاة شرح المشكوة».

شاید بی ربط نباشد علی رغم تمام دلایل مذکور به فتوای چند تن از بزرگان دیگر نیز اشاره گردد:

در کتاب مدارج النبوة کتاب الجنائز، شیخ عبدالحق محدث دهلوی (متوفی ۱۰۵۲) می فرماید:

عادت نبود که برای میت جمع شوند و قرآن خوانند و ختمات خوانند نه بر سرگور و نه غیر آن، و این جمع شدن بدعت است. نعم! برای تعزیت و تسلیت و دلداری و توصیه به صبر، سنت و مستحب است اما این اجتماع مخصوص روز سوم و ارتکاب تکلیفات دیگر و صرف اموال بی وصیت از حق یتامی ناجایز و بدعت است. بعد از چند سطر نوشته است:

عادت نبود که اهل میت برای کسانی که به تعزیت بیایند طعام کنند.

و در «اشعة اللمعات باب بکاء علی المیت» فرموده است: بسیاری از متأخرین گفته اند که مکروه است اجتماع در خانه صاحب میت، و همچنین نشستن اهل میت در خانه بقصد آمدن مردم جهت عرض تسلیت مکروه می باشد؛ بلکه هرگاه از دفن فارغ شدند برگردند و متفرق شوند و صاحب میت باید به کار خود مشغول گردد و مردم نیز به کارهای خود مشغول شوند و تعزیت زیاد بر یک بار نباید کرد و آنچه مردم در این زمان از تکلیفات می کنند همه بدعت و شنیع و نامشروع است.

مولانا عبدالحی در فتاوی خود در جلد ۳ «باب ما یفعل للاموات بعد الدفن» چنین می فرماید:

سؤال: غذای چهل یا ششماهی و یا سالگرد مهیا می شود و بین مردم و برادران تقسیم می شود حکمش چیست؟

جواب: شیخ عبدالحق محدث دهلوی در «جامع البرکات» می نویسد:

و آنکه بعد از سالی یا ششماهی یا چهل روز در این دیار بزنند و در برادران بخشش کنند و آنرا «بهاجی» گویند چیزی داخل اعتبار نیست؛ بهتر آن است که نخورند. حضرت شاه ولی الله صاحب (متوفی ۱۱۷۶) نوشته است دیگر از عادات شنیع ما مردم اسراف است در ماتم ها سوم و چهل و ششماهی و فاتحه سالیانه، و این همه را در عرب اول وجود نبود مصلحت آنست که غیر تعزیت وارثان میت تا سه روز و اطعامشان یک شبانه روز رسمی نباشد. (۲)

و در وصیت نامه ۱۳ در جلد دوم در تفهیم ۴۷ می فرماید: «شما در شب برای مردگان طعام پختن را واجب می دانید و شما خواه ناخواه بر خود تنگی کرده اید». و در آخر می فرماید:

«فضیعتم اموالکم و اوقاتکم فی الرسوم، و ترکتم الهدی الصالح، و کان المرضی ان لا تتخذوا هذه الرسوم، و ان تتخذوا رسوماً سهلة لیست فیها ضیق، اتخذتم الماتم عیداً کأن اکثر الطعام واجب علیکم فضیعتم الصلوة».

ترجمه: شما اموال و اوقات خود را در ادای رسوم ضایع کرده اید و روش مسنون را ترک کرده اید و کار پسندیده اینست که این رسوم را ترک نمائید و همان کار را در دست گیرید که آسان و در آن تنگی نباشد. شما ماتم را عید ساخته اید و گویا آماده کردن طعام زیاد بر شما لازم است، و نماز که ضروری است ضایع کرده اید.

حضرت عارف بالله محی الدین محمد رومی البرکلی النقشبندی (متوفی ۹۸۱) در کتاب خود «طریقه محمدیه» می نویسد:

«الفصل الثالث فی امور مبتدعة باطلة اکب الناس علیها علی ظن انها قرب مقصودة و هذه کثیرة فلنذكر اعظمها».

ترجمه: فصل سوم در بیان امور باطل تازه ایجاد شده، که مردم به آنها روی آورده اند به گمان این که آنها عبادات مقصوده اند. این امور بسیارند که مهمترین آنها را اکنون ذکر

۱- شرح نقایه: ۱۴/۱

۲- تفهیمات: ص ۲۴۸

«و منها الوصية باتخاذ الطعام و الضيافة يوم موته، أو بعده باعطاء دراهم معدودة لمن يتلو القرآن لروحه، أو يسبح له، أو يهلل، أو بان يبیت عند قبره رجال اربعين ليلة، أو اكثر، أو اقل، أو بان يبني على قبره بناء، و كل هذه بدع منكرات و الوقف و الوصية باطلاق و المأخوذ منها حرام للأخذ و هو عاص بالتلاوة و الذكر لأجل الدنيا»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از جمله بدعات باطله وصیت کردن به تهیه کردن طعام و برپا کردن میهمانی در روز وفاتش، یا پس از آن و دادن پول به کسی که قرآن یا تسبیح بر روح او خواند یا برای او لا اله الا الله خواند یا مردم نزد قبر او چهل شب، کمتر یا بیشتر شب زنده داری کنند یا بر گور او خانه یا گنبدی بسازند که همه این چیزهای ناشایسته است. وقف و وصیت بر آن باطل است و آنچه که گرفته شده بر گیرنده حرام است و او بخاطر تلاوت و ذکر جهت حصول دنیا گناهکار است.

و در رد المحتار به کتاب طریقه محمدیه اشاره شده است.

### لفظ کراهت که در عبارت فقها آمده چه نوع کراهتی است؟

در رد المحتار جلد اول فصل فی البئر می‌فرماید:

«قال فی البحر: و اعلم ان المكروه اذا اطلق فی كلامهم المراد منه التحريم الا ان ينص علی كراهة التنزیة، و قد قال المصنف فی المصنفی لفظ الكراهة عند الاطلاق يراد بها التحريم قال ابو یوسف قلت لابی حنیفة اذا قلت فی شیء اكرهه، فما رأیك فیه؟ قال: التحريم.»

ترجمه: صاحب بحر گفته، بدان که! چون لفظ مکروه در کلام فقهاء بکار رود مراد از آن کراهت تحریمی است، مگر وقتی که تصریح بر کراهت تنزیهی شود؛ زیرا مصنف - یعنی: صاحب کنز الدقائق - در مصنفی گفته که لفظ کراهت وقتی که مطلق ذکر شود مراد از او تحریم است.

امام ابو یوسف گفته: من به ابوحنیفه گفتم: وقتی که شما درباره چیزی می‌گویید: من این را مکروه می‌دانم، عقیده شما چیست؟ گفت: تحریم است.

در کتاب الحظر و الاباحه رد المحتار می‌فرماید:

«كل مكروه كراهة التحريم حرام، أي كالحرام فی العقوبة بالنار عند محمد، و اما المكروه كراهة التنزیة فالی الحل أقرب اتفاقاً و عندهما و هو الصحيح المختار و مثله البدعة و الشبهة

الی الحرام أقرب.

(قوله: كراهة التحريم) و هي المرادة عند الاطلاق كما فی الشرع و قیده بما اذا كان فی باب الحظر و الاباحه»<sup>(۲)</sup>

ترجمه: هر مکروه تحریمی حرام است. یعنی: مانند حرام است در این که مرتکبش سزاوار جهنم است، نزد امام محمد و اما مکروه تنزیهی اتفاقاً به حلال نزدیک است. اما در نزد شیخین مکروه تحریمی به حرام نزدیک‌تر است و همین صحیح و مختار است. اما چیزی که بدعت یا شبه آن باشد مانند مکروه تحریمی به حرام نزدیک‌تر است.

شکی نیست که دعوت طعام از طرف اهل میت و جمع شدن مردمان در نزد اهل میت و خوردن این طعام از مسائل باب الحظر و الاباحه است به این سبب بعضی از فقهاء این مسئله را در کتاب الحظر و الاباحه ذکر کرده‌اند. و بعضی به مناسبت اینکه دعوت طعام از اهل میت است آنرا در باب الجنائز ذکر کرده‌اند. پس دعوت طعام و خوردن و گستراندن فرش برای مردم مکروه تحریمی است. و نیز فقهای کرام و علمای عظام این دعوت را بدعت مستقبحه یا بدعت نامشروع گفته‌اند که دلیل کراهت تحریمی است.

توضیح: حضرت مجدد الف ثانی (امام احمد سرهندی) در نامه‌ای به شیخ نظام تھانسیری در رعایت آداب و سنن می‌نویسد:

«رعایت ادب و اجتناب از مکروه اگر چه تنزیهی باشد فکیف که تحریمی، به مراتب از ذکر و فکر و مراقبه و توجه بهتر باشد الخ...»<sup>(۳)</sup>

۱- طریقه محمدیه صفحه آخر

۲- رد المحتار: ۲۳۷/۵

۳- مکتوبات امام ربانی دفتر اول حصه اول مکتوب ۲۹